

### متن پرسش

سلام استاد: در رابطه با کتاب خویشتن پنهان دو سوال دارم: ناقص الخلقه هایی هستند که یک بدن دارند و دو سر: سوال اول: با توجه به فرمایشات شما اینگونه نتیجه گرفته می شود که دو نفس هستند که یک ابزار دارند و هر دو بر یک تن حکومت می کنند. سوال اینست در این مورد اگر تضاد در اراده این دو نفس بوجود بیاید چگونه توجیه می شود؟ مثلاً یک نفس بخواهد دستش را بالا ببرد ولی آن نفس دیگری بخواهد همان دست پایین باشد. سوال دوم: چرا با بودن دو سر و یک بدن، دو نفس بوجود می آید ولی اگر ناقص الخلقه ای باشد که دو بدن به هم چسبیده داشته باشد و یک سر، می گوئیم یک نفس وجود دارد. سوال اینجاست از کجا معلوم که نفس زاییده همین سر و مغز نباشد؟ بگذارید جور دیگر سوالم را بپرسم: ناقص الخلقه هایی هستند که حتی ممکن است ۸۰ درصد بدن خود را به صورت مادرزادی نداشته باشد ولی چون سر دارد نفس هم دارد ولی اگر ناقص الخلقه ای باشد که تمام بدن را داشته باشد ولی سر را نداشته باشد نفس را ندارد. خب از کجا معلوم این احساس درک من یا نفس زاییده همین سر نباشد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. ظاهراً هرکدام مطابق امکان شان که نسبت به بدن مشترک دارند، اراده می کنند و لذا این دو نفس می پذیرند در شرایط اتحاد با همدیگر، نفس خود را تدبیر کنند. ۲. نفس ناطقه جهت حضور در بدن، بستر تدبیر می خواهد وگرنه اگر بدن داشته باشد ولی سر او را از بدن جدا کنند چون میدان تدبیر ندارد از بدن منصرف می شود. موفق باشید